



24 فبروری 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

مکتی بر معضله پشتونستان - داؤد خان و روابط با پاکستان (قسمت چهارم)

روابط با پاکستان بعد از کودتای 26 سرطان 1352

نگاه مختصر بر روابط با پاکستان در دهه دموکراسی:

قبل از بحث روی موضوع فوق لازم است تا نگاهی مختصر به روابط با پاکستان در دهه مشروطیت (دهه دموکراسی) بیندازیم: پس از استعفای محمد داؤد از مقام صدارت پادشاه داکتر محمد یوسف (وزیر معادن و صنایع در دوره صدارت محمد داؤد) را بتاريخ 13 مارچ 1963 به تشکیل کابینه مؤلف ساخت و به او هدایت داد در قدم اول موضوع تسوید قانون اساسی جدید را رویدست گیرد و در قدم دوم بکوشد تا مناسبات برهم خورده افغانستان با پاکستان مجدداً اعاده شود. به این اساس مذاکره بین دو کشور با میانجیگری پادشاه ایران آغاز یافت و هیئت های عالی دو طرف به تهران رفتند و پس از چند روز مذاکره و مفاهمه بالاخره در 27 می 1963 توافقنامه اعاده مناسبات دیپلماتیک در تهران به امضا رسید و دولت پاکستان با رهبران معترض پشتون تاحدی نرمش اختیار کرد. (برای شرح مزید درباره مذاکرات تهران دیده شود: "خاطرات سیاسی سید قاسم رشتیا"، ... صفحه 160 تا 176)

با وقوع دومین جنگ بین هند و پاکستان در سپتمبر 1965 حکومت افغانستان از هرگونه حرکت ضد اجتناب کرد، درحالیکه در بین کابینه نظر متفاوت مبنی بر استفاده ازین موقع مناسب جهت آوردن فشار بر پاکستان پدید آمد، ولی پادشاه نمی خواست بار دیگر مناسبات کشور را با پاکستان دستخوش کشیدگی شود. در سومین جنگ هند و پاکستان در سال 1971 که منجر به تجزیه پاکستان و ایجاد کشور جدید بنگله دیش در پاکستان شرقی گردید، باز هم دولت افغانستان سیاست قبلی خود را در پیش گرفت.

جدا شدن پاکستان شرقی از بدنه پاکستان روحیه مبارزه جدائی طلبی را در بین ملیگراهای پشتون و بلوچ بیش از پیش دامن زد و برای چند سال متمادی شورشهای مسلحانه و جنگ های پارتیزانی در آنجا برپا بود که حکومت پاکستان به شدت در سرکوبی جنبش های مذکور از هیچ نوع فشار و برخورد مسلحانه دریغ نکرد. واکنش دولت افغانستان در برابر سیاست جابرانه حکومت پاکستان بر مردمان پشتون و بلوچ باز هم با کرنش و نرمش و حتی اغماض توأم بود.

در دسمبر 1971 وقتی ذوالفقار علی بوتو بار دیگر به صدارت پاکستان رسید، یکماه بعد در واقع برای ابراز قدردانی از موقف محتاطانه حکومت افغانستان در قبال رویداد های پاکستان به کابل سفر کرد. شاه افغانستان که تشدید منازعه با پاکستان را در مورد پشتونستان مضر به منافع ملی می

دانست، اما گاه گاهی در مواقع خاص از حق تعیین سرنوشت مردمان پشتون و بلوچ محض به مقصد زنده نگهداشتن آن داعیه یاد میکرد و به مطبوعات رسمی افغانستان هدایت داده بود تا از شدت لحن در برابر پاکستان بکاهد، درحالیکه حلقات سیاسی کشور بخصوص گروه های چپ پیرو خط مسکو (خلق و پرچم) که در آن دوره به فعالیت های جدی و علنی سیاسی مخالف دولت پرداخته بودند و نیز بعضی جناح های دیگر از جمله "افغان ملت" و فعالان سیاسی که گفته میشد از محمد داؤد خان صدراعظم سابق الهام میگیرند، بر سیاست دولت در قبال پاکستان و فشار های وارده نظامی آن کشور بر مردمان پشتون و بلوچ نظر انتقادی داشتند. اینکه سیاست نرم حکومت افغانستان بخصوص در دوره صدارت محمد موسی شفیق که روابط نزدیکتر با کشورهای غربی و ممالک اسلامی و همچنان تشنید مناسبات با دو کشور همسایه - ایران و پاکستان را در نظر داشت، به عقیده بعضی ها زمینه های تحقق کودتای 26 سرطان 1352 را به رهبری محمد داؤد فراهم ساخت، میتواند تاحدی به دلیل اشتراک عناصر چپ (خلق و پرچم) در کودتا قابل توجیه باشد.

از سرگیری مجدد داعیه پشتونستان در دوره جمهوری شهید محمد داؤد:

صبح روز 26 سرطان پس از موفقیت کودتا، محمد داؤد به رادیو افغانستان رفت و اولین بیانیه خود را بطور زنده ایراد کرد. او ضمن مطالب دیگر در مورد سیاست خارجه رژیم جدید به نکات عمده آن اشاره کرد و اما در مورد روابط با پاکستان چنین گفت: «ما با پاکستان که یگانه کشوری است که روی قضیه پشاونستان با آن یک اختلاف سیاسی داریم و تاکنون بحل آن موفق نگردیده ایم. سعی دائمی ما برای یافتن راه حل قضیه پشتونستان دوام خواهد کرد.»

واضح است که این تذکر مختصر برای حکومت پاکستان که به مجرد اطلاع از موفقیت کودتا بیان همچو موقف را از طرف محمد داؤد انتظارداشت، از همان روزهای اول موجب شد تا خاموشانه در صدد آن گردد که به هرنحوی ممکن در برابر رژیم جدید در افغانستان و جلوگیری از استحکام آن دست بکار شود. در روز اول سنبله 1352 محمد داؤد در بیانیه مبسوط خود "خطاب به مردم" بار دیگر در زمینه چنین گفت: «در مورد مناسبات ما با پاکستان باید گفت که متأسفانه این یگانه کشوری است که روی مسئله پشتونستان و حقوق حقه برادران پشتون و بلوچ خود با آن اختلاف نظر داریم. دولت جمهوری افغانستان با حوصله و خون سردی کامل در راه پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز و شرافتمندانه مسئله ملی پشتونستان مجدانه سعی خواهد کرد. ما عقیده داریم که مناسبات افغانستان و پاکستان با منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه مطابقت دارد و امیدواریم سر انجام به این امر توفیق خواهیم یافت.»

رژیم جدید جمهوری پس از گذشت کمتر از یک ماه از ایراد بیانیه فوق بتاريخ 31 سنبله 1352 دو ابلاغیه را به پشتو و دری از طریق رادیو و جراید دولتی با متن ذیل به نشر سپرد:

«ابلاغیه اول: از مدتی به اینطرف حکومت پاکستان غیر عادلانه و یکجانبه ادعا میکند که افغانستان در امور داخلی پاکستان مداخله میکند. حالانکه دسیسه در افغانستان کشف میگردد که نظر به دلایل قوی تحریکات پاکستان در آن دخیل است. بحیث حکومت یک مملکت صلح دوست که غیر از صلح در وطن خویش و در منطقه و در جهان چیزی نمیخواهد، جداً خواهش میکند تا حکومت پاکستان بار دوم به این گونه اعمالیکه منجر به برهم خوردن صلح منطقه و بالاخره صلح جهانی میگردد، اقدام ننماید.»

«ابلاغیه دوم: از چندی باینطرف دسته ارتجاعیون به ضد نظام جمهوری برای برهم زدن امنیت و از بین بردن نهضت انقلابی وطن پرستان تشکیل جلسه میدادند. دوستان انقلاب با تمام برده باری و حوصله متوجه اوضاع این خاننین بودند. خوشبختانه و موفقانه اوشان را با تمام اسناد و شواهد دستگیر نمودند. با اینکه تمام مردم افغانستان وقتیکه نا از حامیان ارتجاع نام برده میشود، چهره های این اشخاص در مقابل چشم های شان نمودار میگردد. اما برای اینکه خوبتر از حقیقت واقف گردند، اینها عبارت اند از: محمد هاشم میوندوال، خان محمد والی اسبق ننگرهار، دگر جنرال متقاعد عبدالرزاق با یکتعداد اشخاص دیگر که روز پنجشنبه گذشته به امر حکومت گرفتار شدند.» (برگرفته از روزنامه جمهوریت، سال اول، شماره 41، مورخ شنبه 31 سنبله 1352ش)



از این تاریخ به بعد بار دیگر مناسبات افغانستان با پاکستان روبه تیره شدن گذاشت و محمد داؤد بار دیگر لحن جدی تر در برابر مظالم حکومت پاکستان بر مردم بلوچ و پشتون اتخاذ کرد و از اینکه حکومت بوتو علیه جنبش های جدائی طلب بلوچ با حملات بیرحمانه و زندانی ساختن سران بلوچ و پشتون به شدت اقدام میکرد و رژیم جمهوری افغانستان صدای اعتراض خود را علیه آن به حیث یک سیاست عنعنوی بلند میداشت، روابط به سرعت رو به خرابی گذاشت که در اثر آن محمد داؤد بتاریخ 16 سنبله 1353 یعنی یک سال بعد از کودتا نامه به دکتور کورت والداهیم سرمنشی ملل متحد نوشت و توجه آن مؤسسه در عملیات بیرحمانه حکومت پاکستان بر مردم بلوچ تقاضا نمود. بوتو بالمقابل نامه جوابیه شدید الحن خود را به سرمنشی ملل متحد ارسال کرد که در آن افغانستان را به

د پانوی شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

مداخله در امور آن کشور متهم ساخته بود. محمد داؤد رئیس دولت افغانستان نامه مفصل دومی را بتاريخ 6 قوس همان سال به شرح ذیل به کورت والدهایم نوشت که متن مکمل آنرا با وجود طوالت اما به دلیل اهمیت آن و برای روشن شدن مزید موضوع عیناً اقتباس میدارم:

دومین نامه محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم عنوانی سرمنشی ملل متحد:

(شروع نامه)

جلالتمآبا!

من توسط نامه مورخه 7 سپتمبر 1974 خود عنوانی جلالتمآب شما توجه کشورهای عضو ملل متحد را به حالت اضطرار آور صلح و امنیت را در منطقه ای که افغانستان به آن تعلق دارد، سخت به خطر انداخته است، جلب نمودم. نامه مذکور طوریکه تقاضا گردیده بود، طی سند رسمی پ - 24، مورخ 25 سپتمبر 1974 از طرف دارالانشای ملل متحد به کشورهای عضو آن سازمان توزیع شد.

افغانستان به حیث یکی از کشورهای عضو ملل متحد وظیفه خود دانست تا جلالتمآب شما و توسط شما کشورهای عضو ملل متحد و تمام جامعه بین المللی را ازین تهدید به صلح و امنیت مستحضر گرداند. افغانستان عقیده دارد که تمام دول عضو مکلف اند که سازمان ملل متحد را از همه حالات مطلع سازند و از وقوع حوادثیکه منجر به اخلاص صلح میگردد، جلوگیری نمایند.

اندیشه افغانستان که طی نامه فوق الذکر به اطلاع رسانیده شده، نسبت به عواقبی وخیمی میباشد که شاید در نتیجه سیاست حکومت پاکستان علیه آزادیخواهان بلوچ بروز نماید. این نگرانی بعد از استعمال سیستماتیک قوه، بشمول بمباردمان هوایی از طرف پاکستان بمقابل آزادیخواهان بلوچ که علیه پامال گردیدن تقاضاهای مشروع سیاسی و آرزو های حقه خویش به مقاومت خود دوام میدهند، اظهار گردید.

بعد از آنکه پاکستان قوه نظامی را استعمال کرد و مرتکب عمل مردم کشی و امحای دسته جمعی هزاران نفر بشمول اطفال، زنان و سالخوردگان گردید، آزادیخواهان بلوچ به مواضع غیرمسکون در کوه ها پناه بردند، تا از آنجا برای بدست آوردن حقوق حقه خویش مجادله نمایند.

این وضع از طرف احزاب مخالف پاکستان و رهبران سیاسی بلوچ به توجه موسسات بین المللی مانند کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، دارالانشای کنفرانس اسلامی، موسسه بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر و موسسه بخشش [عفو] عمومی بین المللی (امنستی انتر نیشنل) رسانیده شد که توسط وسایط نشراتی و اطلاعاتی بین المللی، با وجود سانسور شدیدی که از طرف حکومت پاکستان وضع شده بود، جهان از آن آگاه گردیدند. درین وقت بود که صدراعظم پاکستان اولین اولتیماتوم خود را برای آزادیخواهان بلوچ صادر کرده و اعلام داشت که: هرگاه ایشان الی 15 اکتوبر 1974 تسلیم نگردند، علیه ایشان عملیات شدید و وسیع نظامی اتخاذ خواهد گردید.

دراثر این بود که حکومت افغانستان که از عواقب وخیم سیاست تهدید و استعمال مزید قوه آگاه است، مجبور شد این تخلف آشکار را از اصول منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های حقوق بشر به توجه جلالتمآب شما و کشورهای عضو ملل متحد برساند.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

حکومت پاکستان توسط نامه مورخه اول اکتوبر 1974 خویش که از طرف صدراعظم پاکستان عنوانی جلالتمآب شما صادر گردیده، نظریات خود را اظهار کرده است. حکومت افغانستان بار دیگر وظیفه خود میداند تا نظر خود را در مورد وضع موجود تقدیم نماید.

حکومت پاکستان پیشنهاد مبنی بر تحقیقات بین المللی را برای دریافت حقایق، مداخله در امور داخلی پاکستان قلمداد نموده است. اگر طلب تحقیقات بین المللی به منظور جستجوی حقایق بحیث مداخله در امور داخلی یک کشور محسوب گردد، پس این امر برابر به تسلیم بلا شرط به سیاست بعضی حکومتی خواهد بود که حقوق بشر را نقض مینمایند. درخواست تحقیق حقایق توسط جامعه بین المللی در آغاز از طرف آزادیخواهان بلوچ و رهبران سیاسی آنها صورت گرفته است که این تقاضا از پشتیبانی کامل حکومت افغانستان برخوردار میباشد. لذا مضحک است طوری که در نامه پاکستان اظهار گردیده که حمایت مردم بلوچ از طرف حکومت افغانستان یک طرح علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی پاکستان میباشد.

در مکتوب شاغلی بوتو ادعا گردیده که حکومت افغانستان بالای قسمت های بزرگ خاک پاکستان دعوای ارضی پیش نموده است. این طور اعلام هرگز و به هیچ سویه توسط حکومت افغانستان صورت نگرفته و توسط هیچ منبعی ثابت شده نمیتواند.

حکومت پاکستان افغانستان را متهم بر این می سازد که: بصورت سیستماتیک عملیات خرابکاری و دهشت افگنی را در داخل پاکستان ترتیب، مساعد و تشویق مینماید. این البته حقیقت دارد که آزادیخواهان توسط همه وسایلی که بدسترس شان است با حکومت پاکستان جنگیده اند، ولی این حقیقت ندارد که حکومت افغانستان در آن کدام سهمی داشته است. اگر اجازه داده شود مجادله آزادیخواهان بلوچ بحیث دهشت افگنی تعبیر گردد، پس همچنان گفته شده میتواند که همه آزادیخواهان در نقاط مختلف جهان دهشت افگنان میباشند. به همین منوال درست نیست که به رهبران سیاسی یک داعیه ملی، روسای فیودال خطاب گردند. تنها تحقیقات بین المللی به منظور دریافت حقایق میتواند حقیقت را واضح سازد. تقاضا از جامعه بین المللی برای اینکه حقایق بمیان آید، به هیچ وجه یک طرز العمل فیودالی محسوب شده نمیتواند. رهبری مردم بلوچ بدست نورین و جوانان بلوچ میباشد.

طی نامه خود حکومت پاکستان تذکر میدهد که حقوق و آزادیهای سیاسی همه مردمان پاکستان توسط قانون اساسی که بصورت دموکراتیک ترتیب و از جانب نمایندگانی که از طرف همه ایالات پاکستان مستقیماً انتخاب شده اند، به اتفاق آراء تصویب گردیده، تضمین شده است و بلوچستان دارای یک حکومت منتخب از مردم نمایندگی میکند، میباشد و مردمان آنجا مانند مردم دیگر ایالات از تمام حقوق اساسی که قانون اساسی آنها تضمین نموده، برخوردار اند. ولی در اینجا یک حقیقت غیرقابل انکار را باید متذکر شد و آن اینست که نمایندگان منتخب بلوچ ها و پشتون ها بصورت غیرقانونی برطرف گردیدند و اکثریت آنها فعلاً در زندان بسر می برند.

در نامه پاکستان به افغانستان بحیث یک (دولت قرون وسطی) اشاره شده که: «در آنجا امحای جسمانی مخالفین سیاسی یک قاعده است، نه یک استثناء. در سال گذشته یک تعداد افغانهای برجسته به این سرنوشت مبتلا گردیدند و بسیاری ازین ها در سیاه چال ها بدون محاکمه در درد و رنج بسر می برند.» این گفتار تحریف فاحش حقایق است. من یقین دارم که جلالتمآب شما آگاه هستید که بعد از انقلاب جمهوریت در افغانستان کوشش های به تحریک پاکستان برای از بین بردن رژیم مترقی جمهوریت بعمل آمد که خائنین گرفتار و مجازات گردیدند، ولی مجازات بدون محاکمه صورت نگرفته

د پانوی شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

است. افغانستان در مقابل مداخله پاکستان در امور داخلی کشور همیشه از صبر و تحمل کار گرفته است. مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان توسط اسنادی که در دست حکومت افغانستان موجود است، به اثبات رسانیده شده میتواند.

صدراعظم پاکستان افغانستان را یک (دولت قرون وسطی) خوانده است. این حقیقتاً مضحک میباشد. من فکر میکنم هیچ کشوری در آسیا بهتر از خود پاکستان واجد شرایط خوبتر برای همچو لقبی نباشد، جاییکه حکومت به صورت سیستماتیک حقوق بشر و آزادی های فردی مردم را پامال کرده، جاییکه موسسات دموکراتیک تنها به نام موجود اند و جاییکه بیرحمی عسکر و پولیس یک حقیقت وحشتناک حیات روزمره گردیده است. جنگ نابود کننده که فعلاً بمقابل مردم بی دفاع بلوچ جریان دارد، گواه کافی رویه اهانته امیز حکومت پاکستان در برابر کرامت بشری و حقوق اساسی مردم بوده و بصورت واضح ثابت میسازد که اقدامات آن حکومت به هیچ وجه اعمال یک حکومت عصری و دموکراتیک محسوب شده نمیتواند.

در پیام صدراعظم پاکستان عنوانی جلالتمآب شما همچنان تذکر رفته که: «یکصد و پنجاه هزار اتباع افغانی در سال گذشته به پاکستان پناه برده اند». این هم تحریف حقایق است، حقیقت موضوع این است که این اتباع افغانی کوچیهای افغان هستند که هر سال هنگام فرا رسیدن موسم سرما به وادیهای گرم سواحل رود سند مهاجرت مینمایند. ایشان این رسم و عنعنه را از زمانیکه این مناطق جزء افغانستان بود، تعقیب کرده اند. هنگامیکه بادهای گرم تابستان شروع به وزیدن میکنند، این کوچیها به سطوح مرتفع برمیکردند. طرز زندگی کوچیها کاملاً به زمامداران پاکستان معلوم است، طوریکه به اسلاف شان و مقامات برتانوی در دهه های گذشته معلوم بود. لهذا حکومت پاکستان بخوبی میداند که اگر محدودیت های از طرف مقامات مربوطه پاکستان وضع نمی شد و مزاحمت های از طرف شان برای آن مردم تولید نمیکردید، تعداد کوچیها بصورت عادی خیلی بیشتر از آنچه در مکتوب صدراعظم پاکستان نشان داده شده است، می بود.

گرچه حکومت پاکستان اخیراً کتاب سفیدی نشر کرده و در آن ادعا نموده است که اوضاع بلوچستان آرام شده و مردمی که علیه حکومت پاکستان مبارزه میکردند، تسلیم گردیده اند. میخوامم دو انکشاف عمده ای که این ادعای کتاب سفید را کاملاً رد میکند، به توجه شما برسانم: اولاً - حکومت پاکستان موعد قبلی اولتیماتوم را که 15 اکتوبر تعیین کرده بود، برای دوماه تمدید کرده است که تمدید این موعد به خوبی نشان میدهد که تهدید توسعه عملیات نظامی و بمباردمان هوایی هیچ گونه تغییری را در مقاومت آزادیخواهان برای حصول حقوق حقه شان وارد ننموده و حکومت پاکستان که در داخل میعاد آن اولتیماتوم موفق به پیشبرد مرام خود شده نتوانست، مجبور گردید برای نیل به اهداف نظامی خود در بلوچستان موعد جدیدی را برای اولتیماتوم خود تعیین کند. ثانیاً - به تعداد 344 نفر مردم بلوچ شامل زنان و اطفال در این هفته های اخیر به خاک افغانستان پناه آورده اند. رجوع این مردم به افغانستان شدت و وسعت ظلم و تشدد حکومت پاکستان مخصوصاً قوای نظامی آنکشور را بر مردم بلوچ که مجبور ساخته شده اند، مزارع و خانمان خویش را ترک بگویند، نشان میدهد.

ازیکطرف حکومت پاکستان عفو عمومی را برای مجاهدین بلوچ اعلان کرده و با توزیع کتاب سفید خویش اوضاع را در بلوچستان بکلی عادی وانمود میکند و از طرف دیگر میعاد اولتیماتوم خود را برای دو ماه تمدید مینماید. این تضاد واضح در ابلاغیه های حکومت پاکستان، این امر را تأیید میکند که برخلاف ادعای پاکستان در مقاومت مجاهدین بلوچ علیه نظامیان پاکستان هیچگونه تقلیلی رخ نداده

است. تمدید اولتیماتوم و مهاجرت پناه گزینان بلوچ به افغانستان کاملاً درست بودن ادعای افغانستان را در این مورد ثابت ساخته و اندیشه افغانستان را درباره دوام جنگ بین مردم بلوچ و حکومت پاکستان تصدیق مینماید. همچنین بصورت آشکار این حقیقت را تأیید مینماید که تطبیق سیاست خشن و بیرحمانه، مردم کشتی و امحای دست جمعی آن حکومت علیه مردم بیگناه بلوچ منجر به آشفته‌گی روز افزون اوضاع گردیده، حقوق بشری و سیاسی مردم بلوچ را پامال و خطری را برای صلح و امنیت در منطقه ما به وجود آورده است.

این واقعات نشان میدهد که افغانستان باید وضعیت وخیم را در بلوچستان به اطلاع شما و از طریق شما به کشورهای عضو ملل متحد و جامعه بین المللی میرسانید و نمی گذاشت پرده ضخیم پروپاگند سوء پاکستان، حقایق را از انظار بپوشاند. بناءً مندرجات نامه گذشته مورخ 7 سپتمبر خود را بار دیگر تأیید مینمایم و امیدوارم که حکومت پاکستان از استعمال قوه علیه آزادیخواهان بلوچ که توسط اولتیماتوم تهدید گردیده اند، خودداری نماید. امیدوارم جلالتمآب شما احترامات فایقه مرا بپذیرید.

«محمد داؤد»

(پایان نامه ارسالی محمد داؤد عنوانی سرمنشی ملل متحد - برگرفته از کتاب "جمهوریت افغانستان - بیانات، پیامها و مصاحبه های مطبوعاتی شاغلی رئیس دولت و صدراعظم" از 26 سرطان 1353 تا 26 سرطان 1354 ، نشریه اطلاعات عامه وزارت اطلاعات و کلتور، صفحه 12 تا 18)

(ادامه در قسمت پنجم: حمله بر پنجشیر و لغمان به حمایت پاکستان)